مقاله پژوهشی

بررسی جغرافیای تاریخی استان هرمزگان در دورهٔ شاهنشاهی اشکانی بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی

محمد میردادی*
ناصر جدیدی**
فیض‌الله بوشاسب‌گوشه***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵
تاریخ پذیرش:۱۴۰۱/۰۲/۱۲

چکیده

شاهنشاهی اشکانی یکی از پایدارترین حکومت‌های دورهٔ باستان ایران است. این شاهنشاهی از حدود ۲۴۷ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی، بر بخش بزرگی از فلات ایران حکمرانی داشت و به صورت ملوک‌الطوایفی اداره می‌شد. شاهزادگان اشکانی بر برخی ولایات ایران حکمرانی می‌کردند، ولی بخش اعظم کشور در اختیار شاهان موروثی بود که زیر نظر شاهنشاه اشکانی بودند. از آنجا که بازرگانی و عوارض دریافتی از آن، درآمد سرشاری را برای شاهان به همراه داشت، توجه به امنیت و آبادانی راه‌ها و بنیاد شهرها در مسیرهای بازرگانی زمینی و دریایی اهمیت دو چندان یافت. بر همین مبنا، در دورهٔ اشکانی شهرهای متعددی در ایران ساخته شد. در این دوره به دلیل جایگاه راهبردی خلیج فارس و نقش آن در بازرگانی، شهرهای زیادی در کرانه و پس کرانه‌های این دریا ساخته شد. بر پایهٔ اسناد باستان‌شناسی، محدودهٔ استان هرمزگان به عنوان بخشی از کرانه و پس کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان به صورت ویژه قابل توجه قرار گرفت و شهرهای مختلفی در این محدوده ساخته شد. این مقاله به روش توصیفی ـ تحلیلی با بهره‌گیری از یافته‌های باستان‌شناسی، جغرافیای تاریخی هرمزگان را در دورهٔ اشکانی بررسی می‌کند. عمده منابع استفاده شده در این مقاله، یافته‌های باستان‌شناسی است.

واژگان کلیدی: اشکانیان، هرمزگان، جغرافیای تاریخی، یافته‌های باستان‌شناسی.

*گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
** گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسندهٔ مسئول). Jadidi_naser@yahoo.com
***گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد ایران.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۱ـ مقدمه

کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس، بخشی از نخستین سکونت‌گاه‌های بشری است. به اعتقاد بسیاری از مورخان، خلیج فارس نخستین دریایی است که انسان بر روی آن به کشتیرانی پرداخت و دریانوردی خود را بر آن آغاز کرد. این امر باعث شد نخستین سکونتگاه‌های بشری، در کرانه‌های خلیج فارس و نواحی پس‌کرانه‌ای شکل گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۷۳: ۳۵). تمدن میان‌رودان و جیرفت، این فرضیه را اثبات می‌کند و کاوش‌ها برای دستیابی به اطلاعات بیشتر در کرانه و پس‌کرانه‌های خلیج فارس ادامه دارد با توجه به کشف نوشته‌های ایلامی مربوط به هزارهٔ چهارم پیش از میلاد در تپه‌یحیی در جنوب شرقی ایران و کاوش‌های انجام‌شده در بخش جنوب شرقی، ارتباط سیاسی و تجاری مثلث میان‌رودان، جنوب شرقی ایران و تمدن‌های درّه سند اثبات‌شده است (گرانتوسکی، ۱۳۵۹: ۳). یکی از راه‌هایی که در گذشته می‌توانستند از طریق آن به نواحی پس‌کرانه‌ای در جنوب شرقی ایران متصل شوند، جادهٔ باستانی هرمز به جیرفت بود که سکونتگاه‌های متعددی در اطراف آن شکل گرفت و اکنون برخی از این سکونتگاه‌های باستانی در محدودهٔ استان هرمزگان قرار دارد.

کشور ایران با وسعت فراوان، پیشینهٔ درازی دارد. در گوشه و کنار این کشور پهناور، قومیت‌های مختلف زندگی می‌کنند. برای روشن ساختن تاریخ این مناطق باید به پژوهش‌های محلی بیشتر توجه شود.

جایگاه استان هرمزگان به عنوان حلقهٔ اتصال جنوب شرقی و جنوب غربی ایران و قرار گرفتن آن در مسیر راه‌های بازرگانی دریایی و زمینی، سبب شده‌است در طول تاریخ به این محدوده بیش از پیش توجه شود. با توجه به کمبود منابع دربارهٔ دورهٔ باستان هرمزگان، بیشتر داده‌های این پژوهش مربوط به یافته‌های باستان‌شناسی است که با جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل این یافته‌ها، می‌توان نظریاتی را دربارهٔ تاریخ گذشته این منطقه ارائه کرد. بیشتر گزارش‌های باستان‌شناسی استان هرمزگان، در اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان هرمزگان نگهداری می‌شود. دسترسی به این اسناد و گزارش‌ها به یاری دکتر سرلک، دکتر نوروزی و دکتر زارعی صورت گرفت که در این زمینه بسیار یاری فرمودند و از آنها سپاسگزارم.

۱ـ۱ـ اشکانیان

تنها مدارک مکتوبی که در کتاب‌های دورهٔ باستان دربارهٔ اشکانیان وجود دارد، کتاب‌هایی است که تاریخ‌نگاران و رویدادنگاران یونانی، رومی و ارمنی دربارهٔ تاریخ روم نوشته‌اند. رومیان همزمان با اشکانیان بر اروپا و بخشی از خاورمیانه و هلال خضیب حکومت می‌کردند و نزدیک به سیصد سال با آنها در جنگ و ستیز بودند؛ از این رو، تاریخ‌نگاران رومی ضمن بیان رویدادهای تاریخ روم به بخشی از تاریخ دشمنان آنها نیز اشاره کرده‌اند. بنابراین، پایه و اساس کار پژوهشگرانی که دربارهٔ اشکانیان نوشته‌اند، همین کتاب‌های تاریخ‌نگاران یونانی، رومی و تا اندازه‌ای ارمنی است (رضایی، ۱۳۷۸: ۱۲۸). منشأ نژادی پارت‌ها بر حدس و گمان استوار است و منابع معتبر و معدودی که در دست است،

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

با یکدیگر در این زمینه اختلاف دارند. در این منابع آمده‌است که پارت‌ها از قبیلهٔ پارنی بودند و پارنی‌ها نیز بخشی از قبیله‌های باستانی بوده‌اند که یونانیان آنها را داها می‌نامیدند (دوبواز، ۱۳۹۶: ۲). با اطلاعات کمی که در زمینهٔ پارتیان وجود دارد، می‌توانیم بپذیریم که آنها به قبیلهٔ پرنی از قوم داهه متعلق بودند. دهه‌ها، مجموعه‌ای از قبایل سکایی بودند که به صورت چادرنشین در علفزارهای میان دریای خزر و دریاچهٔ آرال زندگی می‌کردند (گیریشمن، ۱۳۷۲: ۲۸۶). آنها مرگ در میدان جنگ را خوشبختی بزرگ و مرگ در بستر بیماری را ننگ می‌دانستند.

شاهنشاهی اشکانی یکی از بادوام‌ترین شاهنشاهی‌های ایران در دورهٔ باستان است. شاهان اشکانی به مدت پنج سده از ۲۴۷ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی بر ایران فرمانروایی کردند. ارشک اول با قیام علیه سلوکیان در نیمهٔ سدهٔ سوم پیش از میلاد، حکومت اشکانی را بنیانگذاری کرد و سرانجام در دههٔ سوم سدهٔ سوم پس از میلاد، اردشیر ساسانی با قیام علیه آخرین شاهنشاه اشکانی یعنی اردوان پنجم به پیروزی رسید و نظام شاهنشاهی اشکانی از هم فروپاشید. حکومت اشکانی برخلاف دیگر حکومت‌های باستانی ایران، به شکل فئودالی (ملوک‌الطوایفی) اداره می‌شد. شاید این روش حکومت، به دورهٔ فرمانروایی یونانی‌ها بر ایران بازمی‌گردد. شیوهٔ حکومت فئودالی سبب شده بود شاهان محلی قدرت فزاینده‌ای داشته و در امور داخلی خود مستقل باشند. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های حکومت اشکانی، توجه به کرانه‌های خلیج فارس بود. کشف تپه‌های باستانی فراوان در کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس، توجه بیش از پیش اشکانیان به این کرانه‌ها را نشان می‌دهد (خسرو زاده، ۱۳۹۱: ۶۳).

۲ـ هرمزگان

استان هرمزگان، در جنوب ایران و در کرانهٔ خلیج فارس و دریای عمان قرار دارد. تا سال ۱۳۴۶ خورشیدی، این استان هویت سیاسی مستقلی نداشت و در حوزهٔ نفوذ استان فارس و کرمان اداره می‌شد. سپس در تقسیمات کشوری در سال ۱۳۴۶، به عنوان استانی مستقل شناخته شد و با مصوبهٔ هیئت وزیران در دوازده مهرماه ۱۳۵۵ خورشیدی، هرمزگان نامیده شد.

حدود کنونی استان هرمزگان، با محدودهٔ حکومتی ملوک هرموز مطابقت دارد. از سدهٔ چهار تا یازده هجری، حکومتی به مرکزیت میناب و بعدها به مرکزیت جزیرهٔ هرموز بر بخش عمده‌ای از کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس فرمانروایی می‌کرد که در زمان اوج قدرت، محدودهٔ حکومت آنها به کرانه‌های جنوبی خلیج فارس کشیده می‌شد. این پادشاهان به ملوک هرموز معروف بودند. در سال ۱۰۳۱ هجری همزمان با بیرون راندن پرتغالی‌ها از این جزیره توسط شاه‌عباس صفوی، به حکومت ملوک هرموز نیز پایان داده شد (وثوقی، ۱۳۸۰: ۳۶). اینک حدود استان هرمزگان در محدودهٔ حکومتی ملوک هرموز قرار دارد و فقط کرانه‌های جنوبی خلیج فارس و بندر تیس (چابهار) از آن جدا شده‌است. بنابراین، هویت تاریخی استان به عنوان واحدی نیمه مستقل و وابسته به حکومت مرکزی ایران، به سدهٔ چهار هجری باز می‌گردد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

این استان، دارای بنادر و جزایر متعددی است که پیشینهٔ تاریخی طولانی دارد. جزایر کیش، کشم و هرمز قدمتی طولانی داشتند و قبیلهٔ کوچ نیز از دورهٔ باستان در محدودهٔ این استان ساکن بوده‌اند. در بررسی‌های انجام شده دربارهٔ استان فارس و کرمان، معمولاً بخش‌های مربوط به استان هرمزگان قابل توجه قرار نمی‌گیرد (وثوقی، ۱۳۸۰: ۴۵). و با وجود قدمت و پیشینهٔ تاریخی این منطقه، در بین مردم استان و کشور از آن به‌عنوان منطقه‌ای نو و جدید یاد می‌شود. در زمینهٔ پیشینهٔ این منطقه در دورهٔ باستان، در منابع تاریخی تنها به اشاراتی گذرا، اندک و پراکنده اکتفا می‌شود و روشن ساختن تاریخ گذشتهٔ آن نیازمند توجهی ویژه است.

در زمان حکومت پهلوی، نخستین هیئت‌های باستان‌شناسی به استان هرمزگان آمدند و کاوش‌های خود را در محدودهٔ این استان آغاز کردند. این امر سبب شد بیش از پنجاه محوطهٔ باستانی با قدمت‌های مختلف، از حدود شش هزار سال پیش تا دورهٔ قاجار در این منطقه کشف شود. این محوطه‌های باستانی در همه جای استان هرمزگان، بنادر و جزایر، کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان شناسایی شد.

بیشتر تپه‌های باستانی این منطقه به دورهٔ باستان بازمی‌گردد و داده‌های تاریخی پراکنده دربارهٔ ساکنان نخستین این بخش را تأیید می‌کند. مورخان و جغرافی‌نویسان یونانی نخستین کسانی هستند که روایاتی را دربارهٔ ساکنان کرانه‌های شمالی و جنوبی و جزایر خلیج فارس بیان کرده‌اند. در سفرنامهٔ نئارخوس، سردار اسکندر مقدونی ـ که فاصلهٔ بین رود سند تا میانرودان را از طریق دریا طی کرده‌است ـ اطلاعات خوبی را دربارهٔ بنادر و جزایر استان هرمزگان بیان کرده و پیشینهٔ سکونت قطعی و شهرنشینی در این استان را به سدهٔ چهارم پیش از میلاد مسیح می‌رساند(Vincent, 1809:52).

تپه‌های باستانی کشف‌شده در این استان، روایت‌های تاریخی را تأیید می‌کند. بیشتر این تپه‌ها در حوزهٔ رود میناب، جزایر قشم، کیش، هرموز و تا حدودی در شمال و غرب استان قرار دارد. بنا بر منابع یونانی، نام دریای اریتره از نام حاکم جزیرهٔ هرمز گرفته شده‌است. حال بیشتر مردم ساکن در غرب استان، افراد بومی و فارس زبان و اعراب هستند؛ ولی در بخش شرق و شمال استان، بیشتر اقوام کوچ و بلوچ حضور دارند که دارای سابقهٔ سکونت طولانی در این منطقه هستند. در شاهنامهٔ فردوسی و دیگر کتب افسانه‌ای و حماسی ایران، اطلاعاتی دربارهٔ اقوام کوچ و بلوچ بیان می‌شود و منابع جغرافیایی نیز محدودهٔ کوچیان را شرق استان هرمزگان می‌داند. نبردهای کوچیان در برابر اعراب نیز در زمان ساسانیان آغاز می‌شود و دو سده ادامه می‌یابد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۱۷).

استان هرمزگان به‌عنوان بخشی از کرانه‌های خلیج فارس و دریای مکران، یکی از مناطقی است که داده‌های فراوان باستانی از دوره اشکانی دارد. در بخش‌های مختلف این استان در شمال جنوب، شرق، غرب، جزایر و کرانه و پس‌کرانه‌ها و به‌طورکلی در نزدیک به نود درصد تپه‌های کاوش شدهٔ این استان، داده‌های باستانی مربوط به دورهٔ اشکانی یافت شده‌است.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۲ـ۱ـ شرق هرمزگان

بر پایهٔ تقسیمات سیاسی، شهرستان‌های میناب، رودان، سیریک، جاسک و بشاگرد در شرق استان هرمزگان قرار دارد. وفور آب شیرین و قرار گرفتن در جایگاه ویژهٔ بازرگانی، دو شهرستان میناب و رودان را از سپیده دم تاریخ تا کنون مسکون و آباد کرده‌است. بندر هرموز که در شرق استان هرمزگان واقع است، قدمت زیادی دارد. یافته‌های باستان‌شناسی وابسته به هزارهٔ سوم پیش از میلاد مسیح در کرانه‌های رود میناب، این دیدگاه را استوار می‌کند. شهر هرموز، در گسترهٔ شهرستان میناب کنونی در بخش شرقی هرمزگان جای دارد. اکنون میناب نیز در نود کیلومتری شرق بندرعباس واقع شده‌است. نئارخوس، سردار اسکندر مقدونی، برای شناسایی راه دریایی و بندرهای میان درّه سند و اروندرود به این منطقه سفر کرد. او در هنگام رسیدن به کرانه‌های کرمان باستانی از حدود بندر بدیس[۱] تا بندر هرموز قدیم متحیر شد و این کرانه‌ها را نخستین جایگاه‌های آباد و پرنعمت درّه سند نامید. این روایت آبادانی کرانه‌های شرقی هرمزگان در دورهٔ شاهنشاهی هخامنشی بود. نئارخوس و سربازانش در بندر هرموز در کنار رود آنامیس از کشتی‌ها پیاده شدند و به بندر هرموز رفتند. او پس از رسیدن به شهر، از حضور اسکندر در کرمان آگاه شد. بنابراین، از مسیر جادهٔ باستانی هرموز به آنجا رفت و با اسکندر دیدار کرد. وی آبادانی شهر را ستود و از هرموز به عنوان شهری بر کرانهٔ خلیج فارس یاد کرد (Vincent, 1809:52).

عوامل اصلی شکل‌گیری شهرها و آبادانی آن، آب و قرار گرفتن شهر در مسیر راه بازرگانی دریایی شرق و غرب است. بر پایهٔ روایات تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی، اشکانیان و ساسانیان در دشت مغستان و در کرانه‌های دریا و رود میناب، شهرهایی ساختند تا از طریق آن از مرزهای دریایی نگهبانی و پاسبانی کنند، یا با ساختن بارو آنها را مستحکم سازند (سرلک، ۱۳۸۶: ۱۲). اگرچه نوشته‌های تاریخی به ساخت شهر هرموز کهنه به دست اردشیر ساسانی اشاره دارند، با آگاهی به پیشینهٔ این شهر در نوشته‌های پیش از آن، باید این روایت را به بازسازی شهر در دورهٔ ساسانی وابسته دانست. حوزهٔ رود میناب، مسیر ارتباطی و جادهٔ بازرگانی خلیج فارس به مناطق داخلی ایران، در حوزهٔ جیرفت و کرمان است. تپهٔ کنار صندل جیرفت با بیش از پنج هزار سال قدمت، از طریق این جادهٔ باستانی به دریا دسترسی داشت. کشفیات باستان‌شناسی در شهرستان رودان نیز این فرضیه را اثبات می‌کند. یافته‌های باستان‌شناسی در شرق استان هرمزگان در دشت مغستان، یافته‌های تمدن ایلامی در تپه‌یحیی در کرمان و دیدگاه پژوهشگران دربارهٔ پیوندهای سیاسی و بازرگانی تمدن میان‌رودان با تمدن‌های درّه سند در دورهٔ پیش از تاریخ و وجود جایگاهی که پیوند این دو تمدن را استوار کرده‌است، دلیل بررسی میدانی جنوب شرقی ایران برای یافتن این جایگاه بود. بر همین اساس، بررسی جنوب شرقی ایران آغاز شد. پس از یافتن تمدن‌های کهن در کرانهٔ هلیل‌رود و بمپور، بر آگاهی ما و ارزشمندی منطقهٔ جنوب شرقی ایران در دورهٔ پیش از تاریخ افزوده شد (عباس‌نژاد و فاضلی، ۱۳۸۵: ۸۲).

از بزرگی و آوازهٔ شهر هرموز از سدهٔ چهارم پیش از میلاد مسیح تا سدهٔ هفت هجری در نوشته‌ها فراوان یاد شده و بندری پویا، آباد و پرنعمت بود. علاوه بر این، بندر هرموز

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

در دورهٔ اسلامی پایتخت یکی از نیرومندترین و دیرپاترین فرمانروایی‌های محلی جنوب شرقی ایران بود. پادشاهان هرموز در اوج نیرومندی بر بخش‌های گوناگونی همچون بنادر کرانهٔ جنوبی خلیج فارس، کرانه‌های مکران، کرانه‌های غربی استان هرمزگان تا جزیرهٔ خارک، سراسر استان هرمزگان و بخشی از جنوب کرمان فرمانروایی داشتند. در دورهٔ قاجاریه، شهر هرموز کهنه (میناب) بخشی از بلوک بندرعباس بود و کشتزارها و بوستان‌های حسن لنگی در غرب و شیخ‌آباد در شرق آن جای داشت (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۸: ۲۳). اینک شیخ‌آباد یکی از کوی و برزن‌های شهر میناب است.

بر پایهٔ روایات نئارخوس و یافته‌های باستان‌شناسی در نخل ابراهیمی میناب و روایات جغرافی‌نویسان مسلمان در سده‌های نخستین اسلامی و جانمایی جایگاه شهر هرموز کهنه در نقشه‌های جغرافیایی سده‌های نخستین اسلامی (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۴۲)، می‌توان نتیجه گرفت که جایگاه شهر در دوره‌های گوناگون جابه‌جا شده‌است. نمونهٔ این جابه‌جایی جایگاه در روایات نئارخوس و جای داشتن شهر در کنار رود و یافته‌های باستان‌شناسی دورهٔ اشکانی در نخل ابراهیمی و کهور لنگر چینی و پس از آن شهر هرموز کهنه در دو فرسخی دریا و شهر کنونی میناب با فاصلهٔ حداقل بیست کیلومتری از دریا در دشت مغستان دیده می‌شود. در نقشهٔ به دست آمده از سدهٔ چهار هجری، ابن‌حوقل بندر هرموز را در پایان خور هرموز در جایگاه کنونی بندر تیاب و نخل ابراهیمی می‌داند (همان: ۷۴). اسطخری نیز می‌نویسد: «در کرمان، هیچ دریا و رود بزرگی نیست جز دریای پارس، جز آن خلیج کوچکی که از دریای پارس سوی هرموز می‌رود، آن را جیر می‌گویند؛ آبی شور است و کشتی بر آن کار کند.» (اسطخری، ۱۳۴۰: ۱۴۱). با توجه به این شرح و با توجه به نقشه‌های اسطخری و ابن‌حوقل می‌توان گفت شهر هرمز در سده‌های نخستین اسلامی در پایان خور قرار داشت که برخی تاریخ‌نویسان و باستان‌شناسان آن را با روستای نخل ابراهیمی یا تیاب کنونی در انتهای خور تیاب برابر می‌دانند.

پس از گزارش نئارخوس در ابتدای حکومت یونانی‌ها، اطلاعات دیگری دربارهٔ تاریخ هرمزگان در دورهٔ سلوکیان ذکر نشده‌است و یافته‌های باستان‌شناسی نیز دربارهٔ این دوره داده‌ای ارائه نکرده‌اند. دورهٔ سلوکی هرمزگان همچون بسیاری از بخش‌های ایران در دورهٔ سلوکی تاریک قرار دارد و ممکن است در آینده با کاوش تپه‌های باستانی تغییر کند. بر اساس روایات تاریخی، سلوکیان جهازات مهمی در خلیج فارس ترتیب دادند که به تأمین امنیت ارتباط دریایی با مشرق و کرانه‌های هندوستان منجر شد. چوب هند بسیار مورد تقاضا بود. به طور کلی، علاوه بر نبردهای نخستین سلوکیان با چاندراگوپتا در دیگر سالیان حکومت موریا در هند، روابط سلوکیان و هندیان مسالمت‌آمیز بود (آذری، ۱۳۵۰: ۱۲۴). بر همین مبنا و با توجه به برقراری امنیت در خلیج فارس در این دوره، این امکان وجود دارد که تپه‌های باستانی مربوط به این دوره کشف شود. توجه ویژهٔ اشکانیان نیز می‌تواند امتداد یادگارهای دورهٔ سلوکی و حتی نابودکنندهٔ آن یادگارها باشد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

ـ تپه‌های باستانی شهرستان رودان

راه ارتباطی دشت مغستان به جنوب کرمان، یکی از مهم‌ترین مناطق باستانی جنوب شرقی ایران است. در این منطقه و در حدود شهرستان رودان کنونی، تپه‌های باستانی کشف و بررسی شده‌است. اگرچه اطلاعات ناشی از کاوش‌های باستان‌شناسی در کرانه‌های شمالی خلیج فارس نسبت به کرانه‌های جنوبی بسیار اندک است؛ در بررسی‌های انجام‌شده در محدودهٔ استان هرمزگان، یافته‌های فراوانی از دورهٔ پیش از تاریخ تا دورهٔ معاصر یافت شده‌است. بررسی‌های انجام شده در شهرستان رودان استان هرمزگان در کرانهٔ رود میناب تم مارون و تپه‌های اقماری آن، بیانگر تمدنی دیرپا در این ناحیه است که در دورهٔ اشکانی و ساسانی هم مسکون بوده‌است. در فصل چهارم کاوش تم مارون، یافته‌هایی از هزارهٔ سوم کشف شد که از ورود این تپه به عصر شهرنشینی حکایت داشت. کاوش‌های انجام‌شده در این تپه نشان داد که سکونت در این تپه در دورهٔ اشکانی، یکی از مهم‌ترین لایه‌های فرهنگی این تپه بود. لایهٔ فرهنگی مربوط به دورهٔ اشکانی تم مارون، بالغ بر پنج متر بود که برای روشن شدن زوایای زندگی در دورهٔ اشکانی به کاوش بیشتر آن نیازمند است (سرلک و همکاران،۱۳۹۳: ۲۴۷). در بررسی‌های انجام‌شده در این تپه و تپه‌های اقماری، مشخص شد که هر بخش از تپه بیانگر دورهٔ خاصی از سکونت است. بخش‌هایی از این تپه، از دورهٔ مفرغ تا سده‌های میانهٔ هجری مسکون بوده‌است.

علاوه بر این در سال ۱۳۸۷ خورشیدی، عباس نوروزی به بررسی و کاوش گورستان گروی رودان پرداخت و در آن آثار فراوانی از دورهٔ اشکانی و ساسانی یافت. در گورهای کاوش شده، آثار فراوانی همراه با مردگان دفن شده بود. یافته‌های این گورستان، صنعتی پیشرفته نشان می‌دهد که در این منطقه وجود داشته‌است. این یافته‌ها به همراه یافته‌های پیشین در تم مارون و تپه‌های اقماری، اهمیت منطقهٔ رودان را در دورهٔ اشکانی نشان می‌دهد.

ـ بشاگرد

اگرچه در بشاگرد تپه‌های باستانی بسیاری کشف شده‌است تا پایان کاوش این تپه‌ها نمی‌توان دربارهٔ دورهٔ اشکانی این شهرستان نظر قطعی داد. پس از بررسی‌ها و مطالعات انجام‌شده در منطقهٔ بشاگرد و مطالعهٔ یافته‌های سطحی محوطه‌های شناسایی‌شدهٔ آن در سردشت، وجود رابطه در منطقهٔ سردشت و دیگر نقاط حوزهٔ فرهنگی جنوب شرقی ایران ـ حوزهٔ هلیل‌رود ـ جازموریان ـ از جمله شهر سوخته، تپه بمپور، تپه یحیی، تل ابلیس، شهدا و محوطه‌های کمتر معرفی‌شدهٔ این حوزه در شرق و شمال بشاگرد اثبات و محرز شد. با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی بشاگرد در میانه راه این حوزهٔ فرهنگی و نقش ارتباطی انکارناپذیر بشاگرد در هزارهٔ سوم پیش از میلاد مسیح تا دورهٔ اسلامی در جنوب شرقی ایران، به‌خوبی می‌توان دریافت که بشاگرد حلقهٔ مهمی در زنجیرهٔ ارتباطی فرهنگ‌های حوزهٔ هلیل‌رود - جازموریان در جنوب شرق و حتی در زنجیرهٔ ارتباطی جنوب شرقی ایران با فرهنگ‌های درّه سند و حوزهٔ جنوبی خلیج فارس در بحرین و عمان باشد (پودات، ۱۳۹۵: ۷۱). بر اساس این یافته و روایات تاریخی می‌توان گفت در صورت کاوش تپه‌های بشاگرد، بخش مهمی از تاریخ گذشتهٔ جنوب شرقی ایران مشخص خواهد شد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

ـ مغ بریمی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های دورۀ اشکانی، شهرستان میناب است که در شرق استان و در دشت مغستان قرار دارد. رود پر آب میناب پس از گذشتن از این دشت به خلیج فارس می‌ریزد. علاوه بر یافته‌های باستان‌شناسی، روایات دیگری از دورۀ هخامنشی وجود دارد که در آن به این دشت و شهرهای ساخته‌شده اشاره شده‌است. دشت میناب به واسطۀ جایگاه راهبردی و جغرافیایی، یکی از مراکز مهم بازرگانی در دورۀ اشکانی و ساسانی است. بر همین مبنا، بررسی‌های باستان‌شناسی خوبی در این دشت صورت گرفته و کاوش‌هایی انجام شده‌است (کیان‌راد، ۱۳۹۶: ۲۱۶). در دورۀ اشکانی به دلیل اهمیت خلیج فارس و بازرگانی دریایی، شهرهای ساحلی اهمیت فراوانی یافتند. در کرانۀ خلیج فارس در کنار دو خور کهور لنگر چینی و مغ بریمی، یافته‌های بسیاری از دورۀ اشکانی یافت شده‌است. محوطۀ مغ بریمی از دو محوطۀ استقراری و گورستانی تشکیل شده‌است و حدود شش هکتار وسعت دارد. بخش استقراری ـ که شامل یک دژ مرکزی و تأسیسات وابسته به آن است ـ حدود سه هکتار وسعت دارد و محوطۀ گورستانی که با فاصلۀ کمی از دژ آغاز می‌شود تا دو کیلومتری شمال دژ امتداد دارد (سرلک، ۱۳۸۶: ۱۲).

دژ مغ بریمی با وسعت حدود ۵/۱ هکتار، بزرگ‌ترین دژ و مرکز حکومتی شناخته‌شده دورۀ اشکانی در کرانۀ خلیج فارس است. این دژ در یکی از جایگاه‌های راهبردی کرانۀ خلیج فارس ساخته شده و با دسترسی طبیعی به دو خور کهور لنگر چینی و خور مغ بریمی در شرق و جنوب دژ، موقعیت اقتصادی و دریانوردی ویژه‌ای را برای ساکنان آن مهیا کرده‌است. براساس آزمایش‌های کربن ۱۴ که بر روی یافته‌های به‌دست‌آمده انجام شده‌است، این محوطه به اواخر دورۀ اشکانی بازمی‌گردد. با توجه به این کاوش، ابعاد دژ، شیوۀ ساخت، نقشۀ دژ حکومتی و اداری بودن آن مشخص شده‌است. در فضاهای استقراری دژ، سه ظرف سفالی، تعدادی مهره‌های آویزی تزیینی از جنس عقیق، سه عدد مهرۀ محاسباتی و شمارشی از جنس صدف، یک مهر آویز استخوانی مدور، یک حلقۀ فلزی از جنس برنز و قطعات ظروف سنگ صابونی به‌دست آمده‌است. علاوه بر این، در سطح محوطه و حریم دژ نیز سرباره‌های فلزی و جوش‌کورۀ سفالگری یافت شده‌است (همان: ۳۶).

با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده در کاوش دژ مغ بریمی، می‌توان گفت ساکنان دژ از نظر اقتصادی در سطحی مرفه قرار داشتند. «تکنیک‌ها و تزیینات پیشرفته و ظریف در ساخت و تولید سفال‌ها، وجود قطعات ظروف و اشیای نقره‌ای، تکنیک‌های پیشرفتۀ معماری، پلان فضاهای استقراری، نوع مواد و مصالح به‌کاررفته در سازه‌های معماری و تزیینات وابسته به معماری دژ، اشیای تزیینی از جنس عقیق و برنز» (همان: ۴۵) از جمله یافته‌هایی است که بر مرفه بودن ساکنان دژ دلالت دارد. بر روی تکه سفال یافت شده در کاوش این مغ، نقش اسبی با یال‌های بافته‌شده به سبک اسب‌های تشریفاتی و حکومتی ـ که در مراسم خاص از آن استفاده می‌شود ـ وجود دارد که وجود سازوکار اداری و حکومتی قدرتمند را در این ناحیه نشان می‌دهد. یکی از نکات بسیار مهمی که از مطالعات مقدماتی و داده‌ها و مدارک به‌دست‌آمده، این است که بررسی و کاوش محوطۀ مغ بریمی نشان می‌دهد اشکانیان در مورد جایگاه راهبردی خلیج فارس و به ویژه آبراهۀ تنگۀ هرمز

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

اطلاعات زیادی داشتند. ساختن دژی نظامی در کنار یک بندرگاه تجاری، درک حاکمان وقت را از جایگاه خلیج فارس و تأثیر بازرگانی را بر حیات حکومت نشان می‌دهد.

علاوه بر مغ بریمی، در بررسی‌های انجام شده در دهۀ هشتاد خورشیدی در دشت میناب، محوطه‌های استقراری و گورستان‌های اشکانی و ساسانی یافت شده‌است. به طور کلی از استقرارهای نوزده‌گانۀ دشت میناب، هفت استقرار از آنها مرکز تجاری، اقتصادی و تولیدی بودند.

ـ قشم در دورۀ اشکانی

یکی دیگر از شهرستان‌های هرمزگان، قشم است و در آن، مدارک و آثاری از دورۀ اشکانی یافت شده‌است که اهمیت خلیج فارس و بازرگانی در این دوره را تأیید می‌کند. در جزیرۀ قشم، آثار و تپه‌های فراوانی دیده می‌شود که به دورۀ اشکانیان بازمی‌گردد. این جزیره در دهانۀ تنگۀ هرمز قرار دارد و یکی از مناطق مهمی است که در آن یافته‌های فراوان باستانی دیده می‌شود. این جزیره در دوران تاریخی در ارتباطات و مبادلات فرهنگی و اقتصادی خلیج فارس نقش به‌سزایی داشته‌است. در جدیدترین کاوش‌های جزیرۀ قشم، تپه‌های باستانی کشف شده‌است که سکونت در جزیره و اهمیت آن را در دورۀ اشکانی تأیید می‌کند. اگر اکنون به جزیرۀ قشم سفر کنید حتماً با روستاهای پس‌کرانه روبرو خواهید شد. در دورۀ اشکانیان نیز در این جزیره محوطه‌ها و روستاهای کرانه‌ای و پس‌کرانه‌ای وجود داشت. برخی از محوطه‌های جزیره نیز برای نخستین بار در دورۀ اشکانی مسکون شد. وسعت و فراوانی محوطه‌هایی که آثار اشکانی در آنها یافت شده، بسیار فراوان است. یکی از این تپه‌های باستانی، تپۀ دفاری است که آثار فراوانی از سفال، گوش‌ماهی و صدف در سطح آن دیده می‌شود (خسروزاده، ۱۳۹۲: ۸۵).

تپۀ گربه‌دان و موزی، از دیگر تپه‌های شاخص دورۀ اشکانی در جزیره است. در بررسی دیگر تپه‌های باستانی جزیره نیز آثاری از دورۀ اشکانی یافت شده‌است. در محوطۀ لافت یک هم آثار اشکانی دیده می‌شود. در تپۀ پی‌پشت اگرچه استقرار اولیه مربوط به دورۀ هخامنشی است، ولی در دورۀ اشکانی نیز از آن استفاده شده‌است. با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت این تپه مکانی کارگاهی بوده‌است. از سطح محوطه‌های اشکانی جزیره، تعداد زیادی سفال شاخص جنوب شرقی ایران و جنوب خلیج فارس یافت شده‌است. این امر، ارتباط منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قشم را در دورۀ اشکانی نشان می‌دهد. قشم در مسیر کشتی‌های کرانه نورد قرار داشت و برخلاف دیگر جزایر شمالی خلیج فارس، از نعمت آب شیرین برخوردار بود و وجود آب شیرین در آن، به سکونت درازمدت در این جزیره منجر شده بود.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۲ـ۲ـ غرب و شمال هرمزگان

اگر از جزیرهٔ کشم به‌سوی غرب حرکت کنیم، در دریا به جزیرهٔ کیش و در خشکی به کرانه‌های اردشیر خوره[۱] در شهرستان‌های بندرخمیر، بندرلنگه و پارسیان می‌رسیم.

دربارهٔ دورهٔ باستان این بخش‌ها اطلاعات اندکی وجود دارد. شنیده‌هایی از کاوش غیرقانونی تپه‌های تاریخی دورهٔ ایلامی در بندرخمیر وجود دارد، ولی چون این کاوش به وسیلهٔ باستان‌شناسان صورت نگرفته‌است، نمی‌توان آن را پذیرفت. در برخی منابع به این امر اشاره شده‌است که شهر کوجران اردشیر در کرانهٔ روبه‌روی جزیرهٔ کیش در سرزمین اصلی، توسط اردشیر ساسانی ساخته شده‌است (لباف خانیکی و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۴) گرچه نمی‌توان در دورهٔ باستان نامی را بر این گستره نهاد، بر پایهٔ یافته‌های باستان‌شناسی می‌توان پیشینهٔ دراز کرانه و پس‌کرانه‌های غرب هرمزگان را پذیرفت. علاوه بر این، تپه‌های باستانی فراوانی در غرب هرمزگان شناسایی شده‌است. این تپه‌ها که فراوانی جایگاه آنها بیشتر در میان بندرلنگه و پارسیان دیده می‌شود، پیشینهٔ شهرهای باستانی را در پارسیان، بستک و غرب بندرلنگه نشان می‌دهد.

در برخی بخش‌ها، تپه‌های یافت شده بررسی شده‌اند و یافته‌های به‌دست‌آمده از این کاوش‌ها بر آگاهی ما از دورهٔ باستان افزوده‌است. تپه‌های کاوش شده در شهرستان پارسیان و بستک، پیشینهٔ شهرهای کاوش شده را به دورهٔ اشکانی و ساسانی می‌رساند. علیرضا عسکری چاوردی، باستان‌شناس و کاوشگر تپه پرگو در پارسیان، از شناسایی شانزده دوره زندگی در این تپه سخن می‌گوید و می‌نویسد: در هشت متر کاوش این تپه، شانزده دورهٔ پی‌درپی سکونت در دورهٔ باستان این تپه شناسایی شده‌است (عسکری چاوردی، ۱۳۹۸: ۹۰۰). قدیمی‌ترین دورهٔ سکونت در این تپه مربوط به دورهٔ هخامنشی و جدیدترین آن مربوط به اواخر ساسانی و آغاز عصر اسلامی بود. دور از ذهن نیست که این تپه بر اثر یورش اعراب به این منطقه از سکونت خالی شده باشد. بیشتر تپه‌های باستانی شناسایی شده و کاوش‌های انجام‌شده در شمال و غرب استان، متعلق به دورهٔ آریایی است. از بین سه شاهنشاهی آریایی در دورهٔ باستان، مانده‌های تاریخی بیشتر به دورهٔ اشکانی و ساسانی بازمی‌گردد. علاوه بر این، باستان‌شناسان در شمال استان نشانه‌هایی یافته‌اند که از پیشینهٔ زندگی انسان‌های دورهٔ پارینه‌سنگی حکایت دارد (انجم‌روز و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۹) کاوش‌ها برای یافتن مانده‌های تاریخی این تپه‌های باستانی ادامه دارد.

بر پایهٔ یک پژوهش میدانی در سال ۱۳۹۶ از روستای گچین در کرانهٔ خلیج فارس در غرب بندرعباس تا شهر حاجی‌آباد در شمال هرمزگان، هفده تپهٔ باستانی شناسایی شد. یافته‌های باستان‌شناسان، در حاجی‌آباد هرمزگان به جا ماندهٔ یک شهر باستانی دورهٔ اشکانی است. بر پایهٔ گمانه‌زنی باستان‌شناسان، پیشینهٔ شانزده تپهٔ دیگر نیز از دورهٔ هخامنشی تا دورهٔ قاجاریه است. به جز کاوش‌های اندک در حاجی‌آباد، دیگر تپه‌های شناسایی‌شده بررسی نشده‌است. با توجه به عدم کاوش و فقدان روایت تاریخی از گذشتهٔ این بخش استان، بازسازی تاریخ این بخش با مشکل روبه‌رو است (زارعی، ۱۴۰۰: ۲۹۹).

پیشینهٔ تپه‌های باستانی شهرستان بستک از دورهٔ هخامنشی تا دورهٔ اسلامی است.

۱. نام منطقهٔ غرب استان هرمزگان در دورهٔ ساسانی و سده‌های نخست اسلامی

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

یکی از تپه‌های کاوش شده منحصربه‌فرد استان، بنای باستانی تنب پرگان نام دارد که در شهرستان بستک شناسایی و کاوش شده‌است (اسدی و شهریاری، ۱۳۹۷: ۱۴) آثار کاوش شده در این شهرستان در دورهٔ باستان، به هخامنشیان و ساسانیان بازمی‌گردد و دربارهٔ دورهٔ اشکانی اطلاعات کمتری وجود دارد. تپهٔ سیبه که شهرت زیادی دارد، یکی از بزرگ‌ترین سکونتگاه‌های انسانی در حوزهٔ رود مهران به شمار می‌رود. علاوه بر این، در این شهرستان در منطقهٔ دهتل و کوخرد سنگ‌نگاره‌هایی یافت شده‌است که تاریخ کهن بستک را نشان می‌دهد.

شهرستان حاجی‌آباد نیز در شمال استان قرار دارد و آب و هوای آن نسبت به دیگر بخش‌ها خنک‌تر است. در بررسی‌های باستان‌شناسی، آثاری از دورهٔ پارینه‌سنگی در محدودهٔ این شهرستان یافت شده‌است (انجم‌روز و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۹). یکی دیگر از یافته‌های شهرستان حاجی‌آباد، گورستان سنگ‌چین است که حدود ۱۲۰۰ هکتار وسعت دارد و از همه گورستان‌های سنگ‌چین یافت شده در جنوب شرقی ایران بزرگ‌تر است. بر اساس دو گزارشی که از کاوش چند گور این گورستان منتشر شده‌است، پیشینهٔ این گورها به هزارهٔ اول پیش از میلاد تا دورهٔ اشکانی می‌رسد. این گورستان وسعت زیادی دارد؛ به همین دلیل، تا پایان کاوش‌ها نمی‌توان نظر دقیقی دربارهٔ پیشینهٔ آن ارائه کرد (روایی، ۱۳۹۹: ۳۷)

اگرچه تاکنون بسیاری از تپه‌های باستانی غرب استان بررسی نشده‌است، کاوش قانونی و غیرقانونی و یافتن بازمانده‌های تاریخی از این تپه‌ها گاه پیشینهٔ این بخش از استان را با تمدن عیلام پیوند می‌زند. بی‌گمان با آگاهی از تمدن دیرین جزیرهٔ قشم و پیشینهٔ تاریخی بخش‌های غربی‌تر خلیج فارس در استان‌های فارس و بوشهر، این پندار وجود دارد که شناسایی و کاوش تپه‌های باستانی در آینده می‌تواند تاریخ این بخش از استان را دگرگون سازد.

نتیجه‌گیری

هرمزگان، استانی در جنوب ایران است که به دلیل جایگاه راهبردی خود همواره از دوران باستان مسکون بوده‌است. با توجه به دور بودن این استان از مراکز قدرت، در منابع تاریخی کمتر از آن یاد شده‌است. با وجود کمبود منابع مکتوب دربارهٔ این منطقه در دورهٔ باستان، یافته‌های باستان‌شناختی فراوانی وجود دارد. در کرانه و پس کرانهٔ خلیج فارس، تپه‌های باستانی بسیاری در بخش‌های مختلف استان یافت شده‌است که برخی از آنها کاوش و نتایج آن منتشر شده‌است. بخش عمده‌ای از یافته‌های باستان‌شناختی هرمزگان مربوط به دورهٔ اشکانی است. در این دوره، توجه ویژه به بازرگانی به رشد شهرهای کرانه‌ای منجر شد. تپه‌های باستانی با کاربری‌های مختلفی نیز از دورهٔ اشکانی کشف شده‌است که بیشتر این تپه‌ها در بخش کرانهٔ دریا و جزیره‌ها قرار دارد. نمود تمدن اشکانی در شرق و مرکز استان نسبت به غرب و شمال آن، محسوس‌تر است. از کاوش تپه‌های باستانی در رودان، میناب و جزیرهٔ قشم نیز می‌توان دریافت که هرمزگان در دورهٔ اشکانی پیشرفت و توسعهٔ زیادی داشته‌است.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

منابع و مآخذ

ابن‌حوقل، محمد (۱۳۶۶)، *صوره الارض*، ترجمهٔ جعفر شعار، چاپ دوم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

اسدی احمدعلی، شهریاری علیرضا (۱۳۹۷). *گزارش فصل سوم کاوش تنب پرگان جناح- شهرستان بستک استان هرمزگان*. مجموعه مقالات گزارش‌های شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به کوشش روح‌الله شیرازی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. ۱۶-۱۴.

اسطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۰)، *مسالک و ممالک*، ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

انجم روز، سلمان، حیدری، سلمان و اسکندری سفیر(۱۳۹۸)، *استقرار های پارینه‌سنگی شمال بندرعباس در استان هرمزگان؛ کرانه شمالی خلیج فارس*، میراث فرهنگی خلیج فارس، شماره ۱: ۷۹-۶۷.

آذری، علاء الدین (۱۳۵۰)، *روابط ایران و هند در عهد باستان*، تهران: بررسی‌های تاریخی

باقری، اشرف السادات (۱۴۰۱)، *نگاهی به جغرافیای تاریخی*، تهران: امیرکبیر.

پودات، سمیه (۱۳۹۱)، *گزارش تعیین حریم تپه سردشت شهرستان بشاکرد*، چکیده مقالات یازدهمین گردهمایی سالانهٔ باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

خسروزاده، علیرضا (۱۳۹۱)، *«بندرها و مراکز مهم تجاری و استقراری دورهٔ اشکانی خلیج فارس در منابع کلاسیک»*، پژوهشنامهٔ خلیج فارس، دفتر چهارم، ۶۵-۳۹.

دوبواز، نلسون (۱۳۹۶)، *تاریخ سیاسی پارت*، ترجمهٔ علی اصغر حکمت، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.

رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۸)، *گنجینهٔ تاریخ ایران ـ اشکانیان*، چاپ اول، تهران: اطلس.

روایی، مرجان (۱۳۹۹)، *کاوش نجات بخشی گورستان حاجی‌آباد: فصل اول*، مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به کوشش روح‌الله شیرازی. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. ۳۷۹-۳۷۱.

لباف خانیکی میثم، فیروزمندی بهمن و خسرو زاده علیرضا. *حضور ساسانیان در کرانه‌های خلیج فارس بر پایه گزارش‌های تاریخی و مطالعات باستان‌شناسی. پژوهش‌های ایران‌شناسی*، شماره ۲: ۹۲-۷۳.

زارعی، سپهر (۱۳۹۹)، *«نگاهی به تاریخچهٔ پژوهش‌های باستان‌شناختی جزایر هرمزگان»*، فصلنامهٔ تخصصی مطالعات خلیج فارس، شمارهٔ ۲۰: ۳۳-۱۴.

سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی‌خان (۱۳۶۸)، *بندرعباس و خلیج فارس*، ترجمهٔ احمد اقتداری، تهران: دنیای کتاب.

سرلک، سیامک (۱۳۸۶)، *فصل اول کاوش‌های باستان‌شناسی محوطهٔ نخل ابراهیمی (مغ بریمی) شهرستان میناب*، بندرعباس: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

استان هرمزگان، چاپ نشده.
سرلک، سیامک، عقیلی‌نیاکی، شیرین و نوروزی، عباس (۱۳۹۴)، *فصل چهارم کاوش و لایه‌نگاری محوطهٔ تم مارون شهرستان رودان ـ استان هرمزگان*، مجموعه مقالات گزارش‌های چهاردهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به کوشش حمیده چوبک، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
عباس نژاد سرشتی رحمت، فاضلی نشلی حسن (۱۳۸۵)، *فرایند فلزکاری در جنوب شرقی ایران در هزاره چهارم و سوم ق.م: سازوکارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی*، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، شماره ۲: ۹۸-۸۱.
عسکری چاوردی، علیرضا (۱۳۹۸)، *لایه‌نگاری باستان‌شناسی محوطه تل پرگو، پارسیان(گاوبندی)، خلیج فارس*، گزارش‌های هفدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (مجموعه مقالات کوتاه ۱۳۹۷) جلد دوم. به کوشش روح‌الله شیرازی و شقایق حورشید، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
قنبری، بهنام، ذیفر، حامد و گرگری، لیلا (۱۳۹۷)، *گمانه‌زنی و تعیین عرصه و حریم تل پرگو شهرستان پارسیان*، گزارش‌های شانزدهمین گردهمایی باستان‌شناسی ایران (مجموعه مقالات کوتاه ۱۳۹۵)، به کوشش روح‌الله شیرازی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
کیان راد، خسرو (۱۳۹۶)، *بازرگانی در روزگار اشکانیان*، تهران: آباد بوم.
گیریشمن، رومن (۱۳۷۲)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمهٔ محمد معین، چاپ دهم، تهران: علمی و فرهنگی.
لباف خانیکی میثم، فیروزمندی بهمن و خسرو زاده علیرضا (۱۳۹۲)، *حضور ساسانیان در کرانه‌های خلیج فارس بر پایه گزارش‌های تاریخی و مطالعات باستان‌شناسی*، پژوهش‌های ایران‌شناسی، شماره ۲: ۹۲-۷۳.
م.س. ایوانف، آ. گرانتفسکی، م.آ. داندامایف، گ. آ. کوشلنکو (۱۳۵۹)، *تاریخ ایران باستان*، سیروس ایزدی، حسین تحویلی(۱۳۷۳)، تهران: انتشارات دنیا.
مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۳)، *نگاهی به جغرافیای تاریخی خلیج فارس؛ ایرانیان در خلیج فارس، اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۷۹: ۹-۴.
مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی المعرفه الاقالیم*، ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۰)، *«ایرانیان و تجارت دریایی خلیج فارس در قرون اولیه اسلامی»*، نامهٔ انجمن، شمارهٔ ۴: ۱۹۵-۱۷۵.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۰)، *تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس ـ ملوک هرموز*، شیراز: دانشنامهٔ فارس.
ـــــــــــــ . (۱۳۹۱)، *«حضور پارتیان در مناطق جنوبی خلیج فارس (شرق و جنوب شرقی شبه‌جزیرهٔ عربستان) بر اساس مدارک باستان‌شناختی به‌دست‌آمده از محوطه‌های*

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

پارتی سواحل جنوبی خلیج فارس»، مطالعات باستان‌شناسی، شمارۀ ۲: ۸۱-۶۳.
ـــــــــــــ . (۱۳۹۲)، *«محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی جزیرۀ قشم»*، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شمارۀ ۵: ۱۰۰ - ۷۹.
ـــــــــــــ . (۱۳۹۲)، *محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی جزیرۀ قشم*، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شمارۀ ۵: ۱۰۰-۷۹.
ـــــــــــــ . (۱۴۰۰)، *پژوهش‌های باستان‌شناختی هرمزگان: نه دهه بعد*، مجموعه مقالات دریای پارس به روایت باستان‌شناسی، به کوشش جبرئیل نوکنده، عبدالرضا دشتی‌زاده و ام البنین غفوری، تهران: دکتر محمود افشار.
Nearchus(1809). *voyage of Nearchus*. William Vincent, London

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]